

پیش‌بینی خودکارآمدی بر اساس تاب‌آوری، تبعیض جنسیتی ادراک شده و

طرحواره‌های نقش جنسیتی زنان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳

محبوبه کربلایی^۱

جهانگیر کریمی^{۲*}

چکیده

مقدمه: هدف این پژوهش پیش‌بینی خودکارآمدی بر اساس تاب‌آوری، تبعیض جنسیتی ادراک شده و طرحواره‌های نقش جنسیتی زنان بود. خودکارآمدی، اعتماد شخص به توانایی خود در مقابله با شرایط دشوار است.

روش: پژوهش حاضر به لحاظ هدف و نحوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع همبستگی است. به همین منظور از میان معلمان زن شهر کهریزک ۱۲۴ نفر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های خودکارآمدی عمومی (شُرر و همکاران، ۱۹۸۲)، تاب‌آوری (کلاهنن، ۱۹۹۶)، رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی (کلونوف و لندرین، ۱۹۹۵) و نقش جنسیتی (بم، ۱۹۸۱) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که متغیرهای تاب‌آوری و طرحواره‌های جنسیتی با خودکارآمدی رابطه مثبت و معنادار دارند، و متغیر رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی با خودکارآمدی رابطه منفی و معنادار دارد. متغیرهای تاب‌آوری، رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول زندگی و طرحواره نقش جنسیتی مردانه در مجموع قادر به پیش‌بینی ۳۱ درصد از واریانس خودکارآمدی بودند.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشانگر اهمیت متغیرهای تاب‌آوری، تبعیض جنسیتی ادراک شده و طرحواره‌های نقش جنسیتی در تبیین خودکارآمدی زنان معلم است. بنابراین طرح ریزی مطالعات بیشتر جهت ارتقای خودکارآمدی زنان معلم، با توجه به نقش خفیه آنان در پرورش دانش‌آموزان، توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: خودکارآمدی، رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی، طرحواره نقش جنسیتی، تاب‌آوری

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه رازی

۲. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه رازی

* نویسنده مسئول: j.karami@razi.ac.ir

Prediction of self-efficacy based on resiliency, perceived gender discrimination and gender role schemas of women

Mahbobeh Karbalaie¹
Jahangir Karami^{2*}

Abstract

Introduction: The purpose of this study was to predict self-efficacy based on resiliency, perceived gender discrimination and gender role schemas of women. Self-efficacy is a person's confidence in his ability to cope with difficult situations.

Method: The present study in term of purpose and data collection is a correlation study. For this purpose, 124 female teachers from Kahrizak city were selected by cluster sampling. Participants responded to general self-efficacy (Sherer & et al, 1982), resiliency (Klahnn, 1996), Schedule of Sexist Events (Klonoff, & Landrine, 1995) and sex role inventory (bem, 1981). For data analysis, Pearson correlation coefficient and step-by-step multiple regression were used.

Results: The results showed that the resiliency, gender schemas and self-efficacy have a positive and significant relationship, and the gender discrimination events has a negative and significant relationship with self-efficacy. Resiliency, gender discrimination events throughout life, and male gender role schemas could predict 31% of self-efficacy variance.

Conclusion: The present study indicates the importance of resiliency, perceived gender discrimination and gender role schemas in explaining teacher self-efficacy. Therefore, planning further studies to promote the self-efficacy of female teachers is recommended, given their critical role in nurturing students.

Keywords: self-efficacy, gender discrimination events, gender role schemas, resiliency

1. Phd student of Psychology, Razi University

2. Associate Professor, Department of Psychology, Razi University

* Corresponding author: j.karami@razi.ac.ir

مقدمه

خودکارآمدی^۱ به اعتماد و باور شخص در مورد توانایی خود در غلبه بر یک وضعیت دشوار یا رسیدن به یک هدف خاص رفتاری اشاره دارد، در این امر فرآیندهای انگیزشی، شناختی، انتخابی و عاطفی نقش ایفا می‌کنند (لیو^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). اعتقادات خود کارآمدی ممکن است بر اساس برخی از عوامل مانند ارزیابی توانایی‌های کنونی، سختی درک شده فعالیت، میزان تلاش مورد نیاز، میزان حمایت دریافتی، دستاوردهای گذشته و الگوهای موفقیت یا شکست، تغییر کند (بندورا^۳، ۱۹۹۷). به باور بندورا (۱۹۹۴) باورهای خودکارآمدی تعیین می‌کند که مردم چگونه احساس، فکر و رفتار کنند. احساس قوی از کارآمدی، بهیستی را به طرق مختلفی بهبود می‌بخشد. افرادی که دارای اطمینان بالایی نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود هستند، به وظایف دشوار می‌پردازند و به آن‌ها به عنوان چالشی برای تسلط و نه به عنوان تهدیدی که باید از آن اجتناب کرد، نگاه می‌کنند. چنین چشم انداز مؤثری می‌تواند منافع زیادی برای دارنده آن داشته باشد این افراد نسبت به اهداف خود تعهد قوی دارند، همچنین پایداری و تلاش خود را در مواجهه با شکست افزایش می‌دهند، و پس از شکست، عدم موفقیت خود را ناشی از تلاش ناکافی یا کمبود دانش و مهارت‌هایی می‌دانند که قابل اکتساب هستند. آنها اطمینان دارند که می‌توانند وضعیت‌های تهدید کننده را کنترل کنند. چنین رویکردی استرس و آسیب پذیری نسبت به افسردگی را کاهش می‌دهد. در مقابل، افرادی که به توانایی‌های خود شک دارند وظایف دشوار را تهدیدات شخصی به شمار می‌آورند. آنها تعهد ضعیفی نسبت به اهدافی که انتخاب می‌کنند، دارند. پس از شکست از آنجا که عملکرد ناکافی را به عنوان ناتوانی تلقی می‌کنند، به دلیل عدم اعتماد به توانایی‌هایشان، به آسانی قربانی استرس و افسردگی می‌شوند. در نقطه مقابل پژوهش‌ها نشان داده تجارب عاطفی منفی مانند استرس و اضطراب ممکن است تأثیر منفی بر خودکارآمدی داشته باشد (کالهر^۴، ۲۰۱۶)؛ این روند باعث ایجاد چرخه‌ای می‌شود که فرد خود را ناکارآمدتر درک کرده و به استرس و اضطراب بیشتر دچار می‌شود. از آنجا که خودکارآمدی با سلامت روان و رضایت از زندگی مرتبط است (هینز^۵ و همکاران، ۲۰۱۹؛ گال^۶، ۲۰۱۶؛ مورنو^۷ و همکاران، ۲۰۱۸)، شناخت عواملی که قادر به پیش‌بینی خودکارآمدی باشند، می‌تواند از نظر کاربردی سودمند باشد. سازه‌های روان‌شناختی مختلفی با خودکارآمدی در ارتباط هستند. یکی از عوامل مرتبط با خودکارآمدی، تاب‌آوری^۸ است (اسکالونو^۹، ۲۰۱۸). مفهوم تاب‌آوری با توجه به زمینه‌ای که در آن استفاده می‌شود متفاوت است. تاب‌آوری به طور گسترده‌ای به عنوان یک عامل

1. self-efficacy
2. Liu
3. Bandura
4. Kelleher
5. Hinz
6. Gull
7. Moreno
8. resilience
9. Scoloveno

محافظتی تعریف شده که موجب می‌شود افراد کمتر در حوادث ناگوار زندگی آسیب ببینند (کسل^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). انجمن روانشناسی آمریکا (۲۰۱۴) "تاب‌آوری" را سازگاری خوب در مواجهه با سختی، تروما، تراژدی، تهدید و منابع قابل توجه استرس^۲ تعریف می‌کند (به نقل از سوتویک^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). تاب‌آوری ظرفیت افراد برای سالم ماندن و مقاومت و تحمل در شرایط سخت و پرخطر است که فرد نه تنها بر آن شرایط دشوار فائق می‌شود بلکه طی آن و با وجود آن قوی‌تر نیز می‌گردد (پاک نهاد و مداحی، ۱۳۹۶). تاب‌آوری ایگو شامل مجموعه‌ای از ویژگی‌های منعکس‌کننده توانایی عمومی، استحکام شخصیت و انعطاف‌پذیری عملکرد در پاسخگویی به شرایط مختلف محیطی است (لوتر^۴ و همکاران، ۲۰۰۰). تاب‌آوری نشان دادن شایستگی، کفایت و توانایی سازگاری مثبت و موفقیت‌آمیز در رویارویی با شرایط تهدیدکننده و وقایع ناگوار زندگی است (پسندیده و کاشف زمانه، ۱۳۹۶). تاب‌آوری را می‌توان به‌عنوان یک پیوستار در نظر گرفت، از تاب‌آوری پایین که نشان‌دهنده توانایی بهبود کم پس از رویداد نامطلوب می‌باشد، تا تاب‌آوری بالا که نشان‌دهنده توانایی فرد برای رسیدن به یک سطح برتر از عملکرد پس از یک رویداد نامطلوب و استرس‌زاست (جویز^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). حفظ سلامت روان معمولاً نشانه‌ای از موفقیت در مقابله با شرایط نامساعد می‌باشد (فاربر و روسندهال^۶، ۲۰۱۸). پژوهش‌ها حاکی از آن است که سطوح بالاتر تاب‌آوری با سطوح پایین اضطراب و استرس روان‌شناختی رابطه دارد (جویز و همکاران، ۲۰۱۸). بنظر می‌رسد تاب‌آوری شخص در بدن و ذهن او محدود نمی‌شود، بلکه ظرفیت سازگاری با چالش‌ها، به ارتباط فرد با اشخاص دیگر و سیستم‌های بیرونی نیز بستگی دارد و روابط حمایتی نقش مهمی در تاب‌آوری در طول عمر بازی می‌کنند (مستن و بارنز^۷، ۲۰۱۸). در مجموع تاب‌آوری، توانایی حفظ یک خط سیر پایدار عملکرد روانی و فیزیکی سالم است (بونانو^۸، ۲۰۰۴؛ اسکالونو، ۲۰۱۸). پژوهش‌ها حاکی از ارتباط تاب‌آوری با خودکارآمدی است (بینگول^۹ و همکاران، ۲۰۱۹؛ اسچوارزر و وارنر^{۱۰}، ۲۰۱۳؛ همیل^{۱۱}، ۲۰۰۳؛ سونس و گریوز^{۱۱}، ۲۰۱۳؛ فرهادی امجد و میرکمالی، ۱۳۹۵؛ کافی و همکاران، ۱۳۹۵؛ مشایخی دولت‌آبادی و محمدی، ۱۳۹۳).

نظریه طرحواره جنسیتی^{۱۲} یک نظریه اجتماعی شناختی است و به طرح این موضوع می‌پردازد که چگونه افراد در جامعه از سنین ابتدایی رشد باورها و نگرش‌های درباره آنچه را که به معنای

1. Casale
2. Southwick
3. Luthar
4. Joyce
5. Färber & Rosendahl
6. Masten & Barnes
7. Bonanno
8. Bingöl
9. Schwarzer & Warner
10. Hamill
11. Svence & Greaves
12. gender schema Theory

مردانه یا زنانه است، کسب می‌کنند و از این نظریه‌ها برای دسته‌بندی اطلاعات، تصمیم‌گیری و تنظیم رفتار استفاده می‌کنند (استار و زوربریگن^۱، ۲۰۱۷). ساختن هویت جنسیتی یک فرایند پیچیده است که عوامل بیولوژیکی، فرهنگی و روانی اجتماعی در آن دخالت دارند. طرحواره‌های نقش جنسیتی شامل زنانگی، مردانگی، فراجنسیتی (آندروژنی) و نامتمایز است (بم^۲، ۱۹۸۱). افراد متعلق به فرهنگ‌های مختلف باورهایی درباره ویژگی‌های زنان و مردان دارند این تصورات قالبی درباره ویژگی‌های زنان و مردان که غالباً قطب مخالف هم هستند در شکل‌گیری طرحواره‌های نقش جنسیتی زنانه و مردانه نقش ایفا می‌کنند (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۷). مردانگی و زنانگی به درجه‌ای اطلاق می‌شود که افراد ویژگی‌های سنتی مرتبط با مردان و زنان را برآورده می‌کنند (لو و وو^۳، ۱۹۹۸). بم (۱۹۷۴) معتقد است افرادی که دارای یک خودپنداره قوی به‌عنوان یک جنس هستند (طرحواره‌های نیرومندی از زناگی یا مردانگی خود دارند) از رفتاری که برای جنس مخالف تجویز می‌شود اجتناب می‌کنند. در نقطه مقابل خصوصیات زنانه و مردانه در یک فرد واحد که به‌عنوان اندروژنی شناخته می‌شود، با انعطاف‌پذیری روان‌شناختی همراه است (بم، ۱۹۷۴؛ ۱۹۸۱). با این وجود ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که ویژگی‌های مردانه به‌سازگاری روان‌شناختی منجر می‌شود (ویتلی^۴، ۱۹۸۳؛ ویتلی، ۱۹۸۵؛ لانگ^۵، ۱۹۸۹، باسوف و گلاس^۶، ۱۹۸۲؛ تیلور و هال^۷، ۱۹۸۲). همچنین پژوهش‌ها حاکی از آن است که خصوصیات مردانه با خودباوری مثبت و خودکارآمدی همراه است. مردانگی ممکن است یک ساختار کلیدی در تمایز افراد در خود کارآمدی باشد (چویی^۸، ۲۰۰۴؛ برانت و فوکو^۹، ۱۹۹۷؛ لانگ، ۱۹۸۹، ویتلی، ۱۹۸۸).

تبعیض به‌عنوان یک پدیده اجتماعی ساختار یافته تعریف شده است که امتیازاتی را برای اعضا گروه‌های غالب و هزینه‌های برای سایر گروه‌ها در بر دارد (کارلینر^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۷). نگرش‌های جنسیتی به ارزیابی‌های منفی مبتنی بر جنسیت اشاره می‌کند که نابرابری بین مردان و زنان را القا می‌کند. تبعیض جنسیتی ادراک شده معمولاً به‌عنوان بازتاب خصومت نسبت به زنان مفهوم‌سازی شده است (سویم و هیروز^{۱۱}، ۲۰۰۹). با این حال این دیدگاه جنبه مهمی از تبعیض جنسی^{۱۲} را نادیده می‌گیرد. احساسات مثبت نیز می‌توانند مانند احساسات منفی در تبعیض جنسی دست‌اندرکار باشند. تبعیض جنسی می‌تواند خصومت‌آمیز یا عطف‌آمیز (تبعیض جنسی

1. Starr & Zurbriggen
2. Bem
3. Lu & Wu
4. Whitley
5. Long
6. Bassoff & Glass
7. Taylor & Hall
8. Choi
9. Bryant & Fuqua
10. Carliner
11. Swim & Hyers
12. gender discrimination

خیرخواهانه) باشد. تبعیض جنسی عطوفت‌آمیز به‌عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها درباره زنان است که تصورات غالبی و نقش‌های محدودی برای زنان در نظر می‌گیرد اما از لحاظ عاطفی آن را مثبت ارزیابی می‌کند، معمولاً زنان در این کلیشه‌ها حمایت‌کننده و صمیمی در نظر گرفته می‌شوند، به رغم احساسات مثبتی که این نوع تبعیض در دریافت‌کننده آن ایجاد می‌کند باعث تسلط مردان و تثبیت نگاه سنتی به زنان می‌شود (کلایک و فیسک^۱، ۱۹۹۶). تبعیض می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی برای دریافت‌کننده آن داشته باشد، یافته‌های پژوهش‌ها حاکی از ارتباط تبعیض با کاهش سلامت و بهزیستی و افزایش استرس است (پری^۲ و همکاران، ۲۰۱۳؛ پاسکو و اسمارت ریچمن^۳، ۲۰۰۹؛ یعقوبی هاشجین و الهی، ۱۳۹۲). در این موارد احتمالاً تبعیض به یک منبع استرس تبدیل می‌شود که ممکن است منابع محافظتی فرد را از بین ببرد و آسیب‌پذیری شخص را به بیماری‌های جسمی افزایش دهد (جی^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). بازده‌های منفی که ناشی از عوامل پایداری نظیر عضویت گروهی شخص باشد، عزت نفس مثبت را پیش‌بینی نمی‌کند (بارون، بیرن و برنسکامب، ۱۳۹۶). همچنین مطالعات نشان می‌دهد تبعیض جنسیتی بر خودکارآمدی فرد تاثیر منفی می‌گذارد (شاین و لی^۵، ۲۰۱۸؛ جونز^۶ و همکاران، ۲۰۱۴). در کشور ما پژوهش‌های اندکی به مطالعه تأثیرات تبعیض جنسیتی بر زنان پرداخته است و نیاز به مطالعات بیشتری در این زمینه احساس می‌شود، یکی از اهداف این مطالعه با توجه به خلأ تحقیقاتی موجود در این زمینه بررسی نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده به‌عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بینی‌کننده خودکارآمدی زنان است.

با توجه به آنچه بیان شد هدف اصلی این پژوهش پیش‌بینی خودکارآمدی بر اساس تاب‌آوری، تبعیض جنسیتی ادراک شده و طرحواره‌های نقش جنسیتی زنان معلم است.

روش

پژوهش حاضر، یک پژوهش غیر آزمایشی از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه شامل ۱۶۵۸ معلم زن شاغل در مدارس کهریزک است، از این تعداد با توجه به احتمال افت آزمودنی تعداد ۱۳۶ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردید. در نهایت پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص و آزمودنی‌های که انصراف دادند، پرسشنامه‌های نمونه‌ای شامل ۱۲۴ نفر از معلمان مورد مطالعه قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

1. Glick & Fiske
2. Perry
3. Pascoe & Smart Richman
4. Gee
5. Shin & Lee
6. Jones

در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شده است.

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران (GSES): پرسشنامه خودکارآمدی عمومی توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲) تهیه شده است. این مقیاس سه جنبه از رفتار شامل میل به آغازگری رفتار، ادامه تلاش برای تکمیل رفتار، مقاومت در رویارویی با موانع را اندازه‌گیری می‌کند. پرسشنامه دارای ۱۷ سوال است، پاسخ به هر یک از سؤاها روی طیفی ۵ درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) مشخص می‌شود. حداقل نمره در این مقیاس ۱۷ و حداکثر نمره ۸۵ می‌باشد. نمرهٔ بیشتر بیانگر خودکارآمدی بالاتر است. براتی (۱۳۷۶) روایی این مقیاس را با محاسبه آلفای کرونباخ ۰٫۸۶ و پایایی بازآزمایی این مقیاس ۰٫۶۷ به‌دست آورد (به نقل از موسی زاده و همکاران، ۱۳۹۳). در این پژوهش پایایی پرسشنامه خودکارآمدی عمومی به روش آلفای کرونباخ معادل ۰٫۸۳ به‌دست آمد.

پرسشنامه تاب‌آوری کلاهنن: این مقیاس را اولین بار کلاهنن (۱۹۹۶) به شکل مقیاس خودگزارشی از عبارات پرسشنامهٔ روان‌شناختی کالیفرنیا (CPI) برای ارزیابی تاب‌آوری اقتباس و بر روی نمونه‌ای از زوج‌های دانش‌آموختهٔ کالیفرنایی اجرا کرد که نتایج آن با عبارات CPI همبستگی دارد. سپس یک بلاک، مقیاس ارزیابی تاب‌آوری را با اقتباس از عبارات پرسشنامه چند مرحله‌ای مینه سوتا و CPI طراحی کرد. این مقیاس مشتمل بر ۱۴ عبارت است که پاسخ‌ها را در طیف ۴ درجه‌ای لیکرت از یک (اصلاً صدق نمی‌کند) تا چهار (اکثراً صدق می‌کند) می‌سنجد. جمع نمرات حاصله از ۱۴ عبارت نمرهٔ تاب‌آوری فرد در این مقیاس است. بلاک و کرمن^۱ (۱۹۹۶) این مقیاس را به‌صورت مطالعه‌ای طولی بر روی گروهی از آزمودنی‌ها در دو نوبت اجرا کرده‌اند. ضریب پایایی آلفا برای این گروه، با این فرض که آزمون تنها یک عامل اصلی را بسنجد، ۰٫۷۶ بود. در طی ۵ سال فاصله بین دو اجرا ضریب پایایی بازآزمایی برای زنان و مردان به ترتیب ۰٫۶۷ و ۰٫۵۱ بود. در پژوهش فاضل و یزدخواستی (۱۳۹۵) پایایی این مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ ۷۲٫۵ محاسبه کردند. در این مطالعه پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ معادل ۰٫۷۹ به‌دست آمد.

پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی: پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی کلونوف و لندرین (۱۹۹۵)، یک پرسشنامه خودسنجی و دربرگیرنده ۲۰ ماده است که در مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای از ۱ (رویداد هرگز اتفاق نیفتاده است) تا ۶ (رویداد تقریباً همیشه اتفاق افتاده است) پاسخ داده می‌شود. براساس تحلیل عاملی کلونوف و لندرین (۱۹۹۵) سؤالات این پرسش‌نامه، فراوانی رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی تجربه شده توسط زنان را در چهار حوزهٔ تحقیر تبعیض‌آمیز جنسی و پیامدهای آن، تبعیض جنسیتی در روابط دور، تبعیض جنسیتی در روابط نزدیک و تبعیض جنسیتی در محیط کار، ارزیابی می‌کند. هر ماده در پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی (SSE) دو بار پاسخ داده می‌شود، یکبار برای ارزیابی میزان رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طی زندگی، و یکبار برای ارزیابی میزان این رویدادها در سال گذشته. کلونوف و لندرین (۱۹۹۵) ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس‌های تبعیض‌آمیز طول زندگی و سال گذشته به ترتیب ۰٫۹۲ و ۰٫۹۰ گزارش کردند و پایایی پرسشنامه به روش دو نیمه کردن را برای این مقیاس‌ها به ترتیب $r = 0.87$ و

$r=0.83$ به دست آوردند. پژوهش یعقوبی هاشم‌پور و الهی (۱۳۹۲) پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ 0.92 برای مقیاس طول زندگی و 0.95 برای مقیاس سال گذشته به دست آوردند. در این پژوهش پایایی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ برای دو مؤلفه رویدادهای تبعیض آمیز سال گذشته و رویدادهای تبعیض آمیز طول زندگی به ترتیب برابر با 0.89 و 0.92 محاسبه شد.

پرسشنامه نقش جنسیتی بـم (BSRI) فرم کوتاه: بـم (۱۹۸۱) بر اساس تحلیل عوامل انجام شده بر روی فرم بلند نقش جنسی بـم (۱۹۷۴) فرم کوتاه آن را ساخت. فرم کوتاه یک مقیاس ۳۰ ماده‌ای است که ده ماده از آن زنانگی، ده ماده مردانگی و ده ماده مطلوبیت اجتماعی را مشخص می‌نماید. بـم (۱۹۸۱) به منظور برآورد پایایی فرم کوتاه مقیاس نقش جنسی، همسانی درونی این پرسشنامه را بررسی کرد. همسانی درونی به دست آمده 0.90 بود. جهت محاسبه روایی پرسشنامه، همستگی آن با فرم بلند بررسی شد و ضریب همبستگی بین این دو 0.99 بدست آمد. علی اکبری دهکردی (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر 0.80 بدست آورد. همچنین به منظور بررسی روایی آزمون فرم کوتاه نقش جنسی بـم از فرم بلند آن استفاده کرد و ضرایب همبستگی بین این دو فرم در زنان و مردان شهر اهواز به ترتیب 0.99 و 0.77 (مردانگی) و 0.75 (زنانگی) به دست آورد. در این مطالعه پایایی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ برای سه مؤلفه طرحواره جنسیتی زنانگی، طرحواره جنسیتی مردانگی و طرحواره جنسیتی خنثی به ترتیب برابر با 0.83 ، 0.74 و 0.71 بدست آمد.

یافته‌ها

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش در مورد متغیرهای مورد تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در گام نخست افرادی که داده‌های از دست رفته زیادی داشتند از تحلیل کنار گذاشته شدند و به این ترتیب داده‌های ۱۲۴ آزمودنی وارد تحلیل شدند. به منظور تحلیل استنباطی داده‌ها از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. یافته‌های توصیفی متغیرهای تاب‌آوری، رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی، طرحواره‌های نقش جنسیتی و خودکارآمدی شامل میانگین و انحراف معیار در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. میانگین ، انحراف معیار

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین حد	بیشترین حد
تاب‌آوری	43.967	5.906	26	54
رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی در طول زندگی	37.930	15.014	20	87
رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی در طول سال گذشته	35.207	12.138	20	78
طرحواره جنسیتی زنانگی	60.871	6.878	38	70
طرحواره جنسیتی مردانگی	50.769	8.145	27	69
طرحواره جنسیتی خنثی	53.054	5.546	33	67
خودکارآمدی	66.229	9.261	43	83

به منظور مشخص کردن قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی متغیر خودکارآمدی از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شد. قبل از اجرای تحلیل رگرسیون چندگانه به منظور بررسی پیش فرض استقلال خطاها بین متغیرهای پیشین آماره دوربین واتسون بررسی شد. چنانچه آماره به‌دست آمده، بین ۱,۵ تا ۲,۵ باشد، نشان‌دهنده استقلال خطاها است. برای این تحلیل مقدار این آماره ۱,۸۱۵ است که نشان می‌دهد هیچ‌گونه تخطی از این مفروضه صورت نگرفته است. در ادامه، متغیرهای تاب‌آوری، طرحواره‌های نقش جنسیتی و رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و نمره خودکارآمدی به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله شدند. نتایج رگرسیون گام به گام در جدول شماره ۲ گزارش گردید.

جدول ۲. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام برای پیش‌بینی متغیر خودکارآمدی براساس تاب‌آوری، طرحواره‌های نقش جنسیتی و رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی

گام	متغیر پیش‌بین	ضریب b	Beta	t	Sig	R	R2	F	Sig
۱	تاب‌آوری	0.778	0.496	6.308	0.000	0.496	0.246	39.785	0.000
	تاب‌آوری	0.655	0.418	5.091	0.000				
۲	رویدادهای تبعیض‌آمیز طول‌زندگی	-0.135	-0.219	-2.666	0.009	0.536	0.288	24.441	0.000
	تاب‌آوری	0.504	0.321	3.472	0.001				
۳	رویدادهای تبعیض‌آمیز طول‌زندگی	-0.128	-0.207	-2.552	0.012	0.560	0.314	18.311	0.000
	طرحواره جنسیتی مردانگی	0.217	0.191	2.144	0.034				

نتایج این تحلیل نشان داد که در گام اول متغیر تاب‌آوری به‌عنوان قویترین متغیر پیش‌بین به تنهایی ۲۴ درصد واریانس خودکارآمدی را پیش‌بینی می‌کند ($F=39.785, df(1,122)$). $p=0.000$ در گام دوم تحلیل مؤلفه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول زندگی به‌عنوان دیگر متغیر قوی پس از متغیر تاب‌آوری وارد معادله پیش‌بینی خودکارآمدی شد که با اضافه شدن این متغیر قدرت پیش‌بینی در گام دوم بوسیله تاب‌آوری و رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول زندگی به ۲۸ درصد افزایش یافت ($F=24.441, df(2,121), p=0.000$). در واقع با اضافه شدن مؤلفه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول زندگی ۸ درصد به قدرت پیش‌بینی افزوده شد. در گام سوم تحلیل مؤلفه مردانگی طرحواره‌های نقش جنسیتی به‌عنوان سومین متغیر پیش‌بین قوی پس از متغیرهای تاب‌آوری و رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول زندگی وارد معادله پیش‌بینی خودکارآمدی گردید ($F=18.311, df(3,120), p=0.000$). بطور کلی نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد متغیر تاب‌آوری و از بین دو مؤلفه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی تنها مؤلفه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی مربوط به طول زندگی و مؤلفه مردانگی طرحواره‌های نقش جنسیتی در ۳ گام

۳۱ درصد از واریانس مربوط به خودکارآمدی زنان معلم را می‌تواند پیش‌بینی کند ($R^2=0.314$) و مؤلفه‌های رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول سال گذشته، طرحواره جنسیتی زنانگی و طرحواره جنسیتی خنثی از معادله پیش‌بینی به دلیل اینکه به‌صورت معناداری پیش‌بینی را افزایش ندادند، حذف شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی این فرضیه که متغیرهای تاب‌آوری، تبعیض جنسیتی ادراک شده و طرحواره‌های نقش جنسیتی قادر به پیش‌بینی خودکارآمدی هستند، اجرا گردید. نتایج نشان داد متغیرهای تاب‌آوری، رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول زندگی و طرحواره نقش جنسیتی مردانه در مجموع قادر به پیش‌بینی ۳۱ درصد از واریانس خودکارآمدی بودند. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که تاب‌آوری توانایی پیش‌بینی خودکارآمدی را دارد. نتایج بدست آمده در این پژوهش با نتایج بینگول و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود. آنها در پژوهشی به بررسی ۸۴۴ دانشجوی در ۴ دانشگاه مختلف پرداختند و بین تاب‌آوری و خودکارآمدی ارتباط مثبت پیدا کردند. همیل (۲۰۰۳)، ۴۳ دانش‌آموز ۱۶ تا ۱۹ ساله دبیرستانی را بررسی کرد، نتایج پژوهش او نشان داد خودکارآمدی بالا و سازگاری، ویژگی‌های شخصیتی بود که جوانان تاب‌آور و انعطاف‌پذیر را از جوانان ناسازگار جدا می‌کرد. همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های سونس (۲۰۱۳)، فرهادی امجد و میرکمالی (۱۳۹۵)، کافی و همکاران (۱۳۹۵)، مشایخی دولت آبادی و محمدی (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. آنها در پژوهش‌های خود به بررسی رابطه تاب‌آوری با خودکارآمدی پرداختند و نشان دادند بین تاب‌آوری به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی با خودکارآمدی رابطه مثبت وجود دارد. این نتایج حاکی از آن است که افزایش تاب‌آوری با بالا رفتن خودکارآمدی در ارتباط است.

در تبیین رابطه تاب‌آوری و خودکارآمدی می‌توان چنین استنباط کرد که تجارب عاطفی منفی مانند استرس و اضطراب تأثیر منفی بر خودکارآمدی دارد (کالهر، ۲۰۱۶)، با توجه به اینکه اشخاص تاب‌آور معمولاً سطوح پایین‌تری از استرس و اضطراب را تجربه می‌کنند، در نتیجه عملکرد مؤثرتری در مواجهه با مشکلات خواهند داشت، این تجارب عملکرد موفق در طول زمان باعث می‌شود شخص به توانایی خود در مقابله مؤثر با مشکلات اعتماد کند، این اعتماد و باور به توانایی خود برای مقابله با شرایط دشوار همان خودکارآمدی است.

همچنین نتایج رگرسیون نمایانگر آن است که رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول سال گذشته از معادله پیش‌بینی به دلیل اینکه به‌صورت معناداری پیش‌بینی را افزایش ندادند، حذف شدند و تنها رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول زندگی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای خودکارآمدی می‌باشد. نتایج بدست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش شاین و لی (۲۰۱۸) و جونز و همکاران (۲۰۱۴) همخوان است. پژوهش شاین و لی (۲۰۱۸) بر روی ۱۳۵ دانشجوی کالج انجام گرفت و

نتایج آن نشان داد که تبعیض جنسیتی بر خودکارآمدی دانشجویان مؤثر است. یافته‌های پژوهش جونز و همکاران (۲۰۱۴) نشان‌دهنده تأثیر منفی تبعیض جنسیتی عطف‌آمیز بر خودکارآمدی است. در تبیین رابطه منفی رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول زندگی و خودکارآمدی می‌توان استنباط کرد هنگامی که شخص در جامعه‌ای زندگی می‌کند و نسبت به خویش احساس تبعیض می‌کند، این تبعیض بدان معنا است که فرد در گروهی از افراد جامعه با پایگاه پایین‌تر قرار دارد و افراد دارای پایگاه بالاتر (در تبعیض جنسیتی پایگاه بالاتر به مردان تعلق دارد) به نوعی قادرند کنترل امور را در دست داشته باشند و بازده‌های مثبت‌تری را دریافت کنند، این بازده‌های مثبت می‌تواند پست شغلی بالاتر، درآمد بهتر، امنیت بیشتر و قوانین حمایتی مساعدتر باشد. زنانی که تبعیض جنسیتی بالایی ادراک می‌کنند خود را محروم از چنین بازده‌های مثبتی در نظر می‌گیرند و کنترل کمتری را بر زندگی خود ادراک می‌کنند، کنترل کمتر به معنی تأثیر کمتر و کارآمدی پایین‌تر در مقابله با شرایط نامساعد است. از سوی دیگر تصورات قالبی موجود در فرهنگ باعث می‌شود زنان دارای صفاتی پنداشته شوند که نشانگر صمیمیت بالا اما کفایت پایین و وابستگی آنها است، در نتیجه زنان مناسب نقش‌های حمایتی و خدماتی در نظر گرفته می‌شوند، این موضوع باعث افزایش تبعیض جنسیتی و ادراک تبعیض جنسیتی می‌شود. همچنین با وجود این تصورات قالبی، زنان بازده‌های منفی را تجربه می‌کنند که مربوط به جنسیت آنان است. وقتی چیزی مربوط به خود (عضویت گروهی) با یک بازده (تبعیض) به طور همگام تغییر می‌کند، اسناد داده شده دارای یک مؤلفه درونی مهم خواهد بود. یعنی افراد نتیجه خواهند گرفت که موضوع هم چیزی است مربوط به من (عضویت گروهی من) و هم چیزی است مربوط به پیشداوری دیگران که باعث بازده‌های تبعیض‌آمیز می‌شود (بارون، بیرن و برنسکامب، ۱۳۹۶)، جنسیت یک ویژگی جدا نشدنی از فرد است، بنابراین تبعیض دریافت شده به یک عامل درونی و پایدار غیر قابل تغییر نسبت داده می‌شود این اسناد درونی و پایدار به این مفهوم است که آنها توانمندی و کارآمدی خود را در تغییر شرایط، پایین ارزیابی می‌کنند. از سوی دیگر این تصورات قالبی می‌تواند ماهیت خود تأییدکنندگی پیدا کرده و خودکامبخش باشند و زنان نقش افراد دارای پایگاه پایین‌تر و دریافت‌کننده تبعیض را بپذیرند و خود را نالایق و ناتوان ادراک نمایند.

از دیگر یافته‌های این پژوهش آن است که از بین طرحواره‌های نقش جنسیتی، تنها مردانگی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای خودکارآمدی می‌باشد و ۲ طرحواره نقش جنسیتی زنانه و نقش جنسیتی خنثی به صورت معناداری پیش‌بینی را افزایش ندادند و از معادله پیش‌بینی حذف شدند. در واقع با اضافه شدن مؤلفه طرحواره نقش جنسیتی مردانگی در گام سوم ۴ درصد به توان پیش‌بینی خودکارآمدی که در گام دوم توسط دو متغیر تاب‌آوری و رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طول زندگی ۲۸ درصد برآورد شده بود، افزوده شد. نتایج بدست آمده در این پژوهش با نتایج چویی (۲۰۰۴) همسو بود، در پژوهش آنها نمونه‌ای از ۲۱۵ دانشجوی کارشناسی ارشد پرسشنامه‌های خودکارآمدی و سنجش نقش جنسیت را تکمیل کردند. یافته اصلی در مطالعه آنها که عمدتاً با

یافته‌های محققان قبلی و یافته این پژوهش مطابقت دارد، از این نظریه حمایت می‌کند که مردانگی ممکن است یک ساختار با اهمیت در تمایز افراد در خودکارآمدی باشد که پیش‌بینی کننده مهم موفقیت است. نتایج پژوهش لانگ (۱۹۸۹)، در بررسی ۲۸۱ شرکت کننده، بیانگر آن است که زنان دارای طرحواره نقش جنسیتی مردانه، خودکارآمدی بالاتر داشتند که با یافته‌های این پژوهش مطابقت دارد، همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های براینست و فوکو (۱۹۹۷)، ویتلی (۱۹۸۸)، ویتلی (۱۹۸۵)، ویتلی (۱۹۸۳)، باسوف و گلاس، (۱۹۸۲)، تیلور و هال (۱۹۸۲) همسو است.

در تبیین این یافته که طرحواره نقش جنسیتی مردانه یکی از مؤلفه‌های پیش‌بین خودکارآمدی است می‌توان استنباط کرد، ویژگی‌هایی که در طرحواره نقش جنسیتی بم به‌عنوان مردانگی دسته‌بندی می‌شود مانند «مستقل»، «قاطع»، «با جرات»، «ریسک‌پذیر»، «رهبر»، و بسیاری از ویژگی‌های دیگری که در فرهنگ‌های مختلف به میزان بیشتر به مردان نسبت داده می‌شود مانند «شجاع»، «با استقامت»، «قوی» و ...، نوعاً نشان‌دهنده افرادی با کفایت بالاست، وقتی فرد دارای خودپنداره‌ای است که این ویژگیها را بخشی از خویش می‌داند، خود را با کفایت ادراک می‌کند و این ادراک خویش به‌عنوان فردی با کفایت و توانمند باعث می‌شود در غلبه بر شرایط دشوار و نامطلوب به کارآمدی خود باور داشته باشد. به همین دلیل زنانی که دارای طرحواره نقش جنسیتی مردانه پر رنگ می‌باشند در غلبه بر دشواریها و مشکلات به توانایی‌های خود باور دارند و می‌دانند می‌توانند بطور مؤثر از عهده وظایف و تکالیف خود برآیند.

این پژوهش همانند تحقیقات دیگر دارای محدودیت‌های بود از جمله، گروه مورد مطالعه از میان معلمان زن شهر کهریزک انتخاب شده بودند، بنابراین در تعمیم نتایج به معلمان سایر نقاط کشور باید با احتیاط عمل کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود مداخله‌های مؤثر جهت افزایش کارآمدی معلمان طرح‌ریزی و اجرا گردد؛ و پژوهش‌های بیشتری در مورد اثرات تبعیض جنسیتی ادراک شده بر عملکرد زنان، با توجه به خلا پژوهشی موجود در این زمینه، صورت پذیرد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از همکاری صمیمانه معلمان در انجام این پژوهش سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- بارون، رابرت؛ بیرن، دان و برنسکامب، نایلا؛ (۱۳۹۶). روانشناسی اجتماعی (ویراست یازدهم)؛ ترجمه یوسف کریمی. تهران: نشر روان.
- پاک نهاد، زهرا و مداحی، محمد ابراهیم؛ (۱۳۹۶). رابطه رشد اجتماعی و حمایت اجتماعی با تاب‌آوری در دانشجویان. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۷ (۲۷): ۴۹-۶۶.

- پسندیده، محمد مهدی و کاشف زمانه، غلامحسین؛ (۱۳۹۶). مقایسه‌ی حمایت اجتماعی ادراک شده، کیفیت زندگی و تاب‌آوری در زنان و مردان مرتکب قتل عمد نسبت به زنان و مردان عادی. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۷ (۲۵): ۵۹-۷۶.
- شریفیان، مهناز؛ صفاری‌نیا، مجید؛ علیزاده فرد، سوسن. (۱۳۹۷). نقش طحاره‌های جنسی با میانجیگری سبک انصاف در پیش‌بینی اختلال درد جنسی: بررسی معادلات ساختاری. روانشناسی سلامت، ۷، ۳، ۱۹۰-۱۷۰.
- علی اکبری دهکردی، مهناز؛ (۱۳۸۶). شناسایی و مقایسه‌ی ترکیب‌های سنخ‌های نهنگانه نقش جنسیتی زنان شاغل و شوهران آنان از لحاظ ویژگی‌های سلامت روان، رضایت زناشویی و هوش هیجانی. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- فاضل، زهرا سادات؛ یزدخواستی، فریبا؛ (۱۳۹۵). تدوین الگوی معادله ساختاری نقش فشارآورهای تحصیلی بر تاب‌آوری، انگیزش و فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی دختر شهر اصفهان. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۱ (۲): ۱۰۷-۱۲۶.
- فرهادی امجد، فرهاد و میرکمالی، سید محمد؛ (۱۳۹۵). تبیین نقش تاب‌آوری بر بهزیستی ذهنی و رابطه آن‌ها با خودکارآمدی. نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۴ (۴): ۱۱۸۱-۱۱۹۹.
- کافی، سوده و همکاران؛ (۱۳۹۵). رابطه سرسختی و تاب‌آوری با خودکارآمدی مدیران بحران جمعیت هلال‌احمر. فصلنامه علمی و پژوهشی امداد و نجات، ۸ (۳): ۷۰-۸۰.
- مشایخی دولت آبادی، محمدرضا و محمدی، مسعود؛ (۱۳۹۳). تاب‌آوری و هوش معنوی به منزله‌ی متغیرهای پیش‌بین خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان شهری و روستایی. فصلنامه روانشناسی مدرسه، ۳ (۲): ۲۰۵-۲۲۵.
- موسی زاده، توکل و همکاران؛ (۱۳۹۳). تبیین نقش اثر بخشی آموزش مهارت‌های مقابله‌ای بر خودکارآمدی و عزت نفس دانش‌آموزان پسر پایه‌ی اول دوره‌ی متوسطه، فصلنامه روانشناسی مدرسه، ۳ (۲): ۲۲۶-۲۳۹.
- یعقوبی هاشجین، سید فاطمه و الهی، طاهره؛ (۱۳۹۲). تأثیر تبعیض جنسیتی ادراک شده بر سلامت روان زنان. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۱ (۳): ۷-۲۶.
- Bandura, A. (1994). Self-efficacy. In V.S. Ramachandran (Ed.), Encyclopedia of human behaviour (Vol.4, pp.71-81). New York: Academic Press.
- Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. New York: Freeman.
- Bassoff, E.S., Glass, G.V. (1982). The relationship between sex roles and mental health: a meta-analysis of twenty-six studies. The Counselling Psychologist, 10(4): 105-112.
- Bem, S.L.(1981). Gender schema theory: a cognitive account of sex typing Psychological Review, 88(4):354-64.
- Bem, S. L. (1974). The measurement of psychological androgyny. Journal of Consulting and Clinical Psychology, 42(2):122-162.

- Bem, S.L. (1974). *The lenses of gender*. NewHaven, CT: Yale University Press.
- Bem, S. L. (1981). *Bem sex role inventory professional manual*. CA: Consulting Psychologists Press.
- Bingöl, T. Y., et al. (2019). Psychological Resilience and Positivity as Predictors of Self-Efficacy. *Asian Journal of Education and Training*, 5(1):63-69.
- Block, J., Kremen, A. M. (1996). IQ and ego-resiliency: Conceptual and empirical Connections and separateness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70(۳):349-361.
- Bonanno, G.A.(2004). Loss, trauma, and human resilience: have we underestimated the human capacity to thrive after extremely aversive events? *The American Psychologist*, 59(1):20-8.
- Bryant, N. C., Fuqua, D. R. (1997). A structural analysis of the relationship between self-efficacy and sex role orientation. Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association, San Diego, CA.
- Casale, R., et al. (2019). Fibromyalgia and the concept of resilience. *Clinical and Experimental Rheumatology*, 116(1):105-113.
- Carliner .H., et al. (2017). Gender discrimination, educational attainment, and illicit drug use among U.S. women. *Social Psychiatry and Psychiatry Epidemiology*, 52(3):279-289.
- Choi, N.(2004).Sex role group differences in specific, academic, and general self-efficacy. *The Journal of Psychology*,138(2):149-159.
- Färber, F., Rosendahl, J.(2018). The Association Between Resilience and Mental Health in the Somatically. *Deutsches Arzteblatt International*, 115(38): 621–627.
- Gee, G. C., et al. (2007). The association between self-reported racial discrimination and 12-month DSM-IV mental disorders among Asian Americans nationwide. *Social Science & Medicine*, 64(10): 1984–1996.
- Glick, P., Fiske, S.T. (1996). The Ambivalent Sexism Inventory: Differentiating hostile and benevolent sexism. *Journal of Personality and Social Psychology*,70(3):491-512.
- Gull, M. (2016). Self-Efficacy and Mental Health among Professional Students: A Correlational Study. *International Journal of Modern Social Sciences*, 5(1): 42-51.
- Hamill, S. K. (2003). Resilience and self-efficacy: The importance of efficacy beliefs and coping mechanisms in resilient adolescents. *Colgate University Journal of the Sciences*, 35:115-146.
- Hinz, A., et al. ((2019). The influence of self-efficacy and resilient coping on cancer patients' quality of life. *European journal of cancer care*, 28(1).
- Jones, K. (2014). Negative consequence of benevolent sexism on efficacy and performance. *Gender in Management: An International Journal*, 29(3): 171-189.
- Joyce, S., et al. (2018). Road to resilience: a systematic review and meta-analysis of resilience training programmes and interventions. *BMJ Open*, 8(6):e017858.
- Kelleher, J. (2016). You're ok, i'm ok. *Phi Delta Kappan*, 97(8): 70-73.
- Klonoff, E. A., Landrine, H. (1995). The Schedule of Sexist Events: A measure of lifetime and recent sexist discrimination in women's lives. *Psychology of Women Quarterly*, 19(4): 439-472.

- Liu, N., et al. (2018). Correlations among Psychological Resilience, Self-Efficacy, and Negative Emotion in Acute Myocardial Infarction Patients after Percutaneous Coronary Intervention. *Frontiers in Psychiatry*,9(1).
- Long, B. C. (1989). Sex-Role Orientation, Coping Strategies, and Self-Efficacy of Women in Traditional and Nontraditional Occupations *Psychology of Women Quarterly* 13(3):307-324 .
- Lu, L., Wu, H.(1998). Gender-role traits and depression: Self-esteem and control as mediators. *Counselling Psychology Quarterly*,11(1):95-107.
- Luthar, S. S. (2007). The Construct of Resilience: A Critical Evaluation and Guidelines for Future Work. *Child Development*, 71(3): 543–562.
- Masten, A.S., Barnes, A.J.(2018). Resilience in Children: Developmental Perspectives. *Children (Basel)*,5(7):98.
- Moreno, P.I., et al. (2018). Satisfaction with cancer care, self-efficacy, and health related quality of life in Latino cancer survivors. *Cancer*, 124(8):1770-1779.
- Pascoe, E. A., Smart Richman, L. (2009). Perceived discrimination and health: a meta-analytic review. *Psychological Bulletin*,135(4):531-554.
- Perry, B. L., et al. (2013). Racial and Gender Discrimination in the Stress Process: Implications for African American Women's Health and Well-Being. *Sociological Perspectives*, 56(1): 25–48.
- Schwarzer, R., Warner, L. M. (2013). Perceived self-efficacy and its relationship to resilience. In S. Prince-Embury & D. H. Saklofske (Eds.), *Resilience in children, adolescents, and adults: Translating research into practice* (pp. 139-150). New York: The Springer Series on Human Exceptionality, Springer.
- Scoloveno, R. L. (2018). Resilience and Self-Efficacy: An Integrated Review of the Literature. *Ijsrm.Human*, 9(1): 176-192.
- Shin, Y., Lee, J. (2018). Predictors of Career Decision Self-Efficacy: Sex, Socioeconomic Status (SES), Classism, Modern Sexism, and Locus of Control. *Journal of Career Assessment*, 26(2):322-337.
- Southwick, S. M., et al. (2014). Resilience definitions, theory, and challenges: interdisciplinary perspectives. *European Journal of Psychotraumatology*, 5.
- Starr, C.R., Zurbriggen, E.L. (2017). Sandra Bem's Gender Schema Theory After 34 Years: A Review of its Reach and Impact. *Sex Roles*,76) 9–10(:566–578.
- Svence, G., Greaves, V. (2013). factors of resilience, wisdom and self-efficacy as positive resources of leaders in sample of Latvian business managers. *Problems of Psychology in the 21st Century*, 5: 96- 108.
- Swim, J. K., Hyers, L. L. (2009). Sexism. In T. D. Nelson (Ed.), *Handbook of prejudice, stereotyping, and discrimination* (pp. 407-430). New York: Psychology Press.
- Taylor, M. C., HALL, J. A. (1982). Psychological androgyny: theories, methods and conclusions. *Psychological Bulletin*, 92(2): 347-366.
- Whitley, B. E. (1983). Sex role orientation and self-esteem: a critical meta-analytic review. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44(4): 765-778.

- Whitley, B. E. (1985). Sex role orientation and psychological well-being: two meta-analyses. *Sex Roles*, 12(1-2): 207-225.
- Whitley, B. E. (1988). Masculinity, femininity, and self-esteem: a multitrait-multimethod analysis. *Sex Roles*, 18(7-8):419-431.

